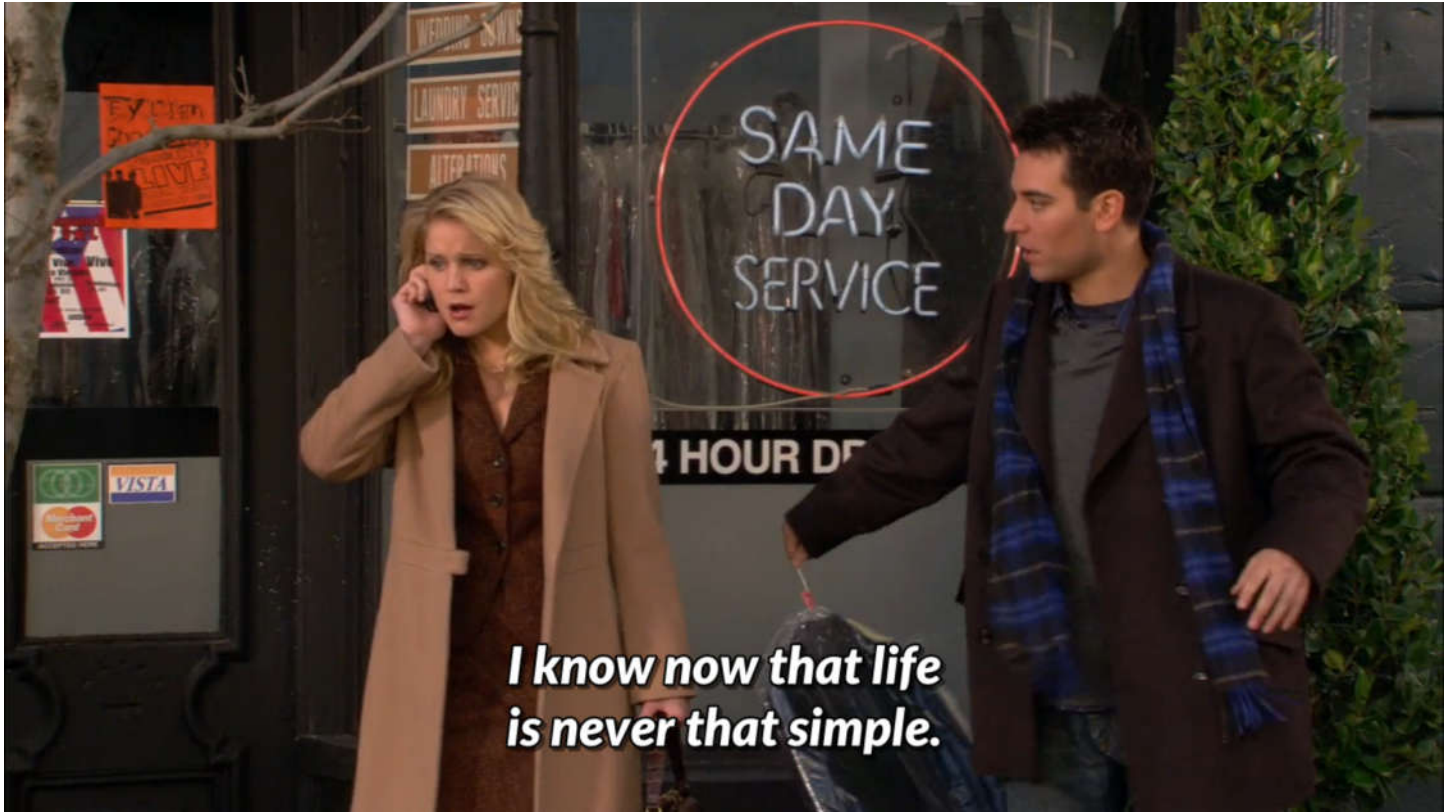


آموزش با سریال how I met your mother

جلسه بیست و سوم - مدرس: علیرضا صادقیان



I know now **that** life is never that simple

الان میفهمم که زندگی اونقدرام ساده نیست

به کاربرد that در این جمله دقت کنید

It's not that simple


اونقدرام ساده نیست

It's not that hard


اونقدرام سخت نیست

It's not that beautiful


اونقدرام خوشگل نیست



If I go to my wedding



*And the cake is not
tahitian vanilla,*



I will come down there



*And burn your little shop
to the ground!*

چه خط و نشونی کشید این کلودیا

If I go to my wedding and the cake is not Tahitian vanilla, I will come down there and **burn your little shop to the ground.**

اگه برم عروسی و ببینیم که کیک وانیل تاهیتی نیست میام اونجا و اون مغازه کوچولوتو رو سرت خراب میکنم

Burn your little shop to the ground

با خاک یکسان میکنم مغازتو



So I'll be off the market.

و تد میگه:

I'm bringing a date **so I'll be off the market**

با خودم همراه میارم پس با دخترا کاری ندارم



The guest list has been closed for months

ماه هاست که لیست مهمون ها بسته شده

اینجا از ساختار حال کامل مجهول استفاده کرده

فرمول حال کامل مجهول

Object + have/has + been + p.p

The windows have been closed

پنجره ها بسته شده اند

The window has been closed

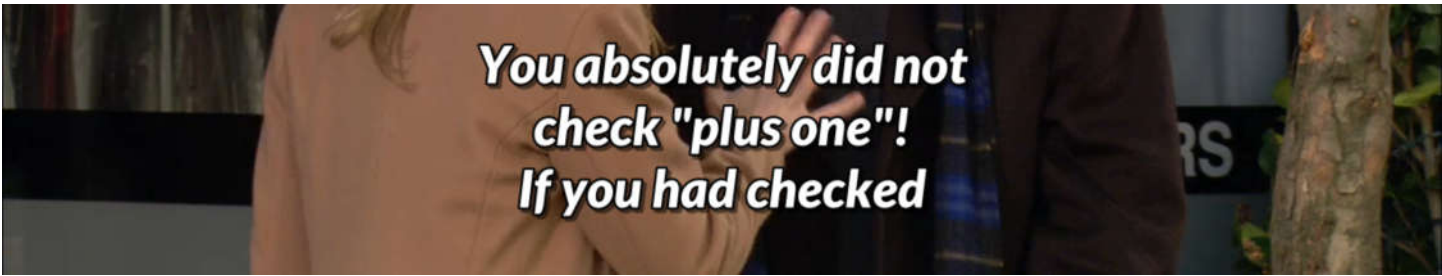
پنجره بسته شده است

It has been solved

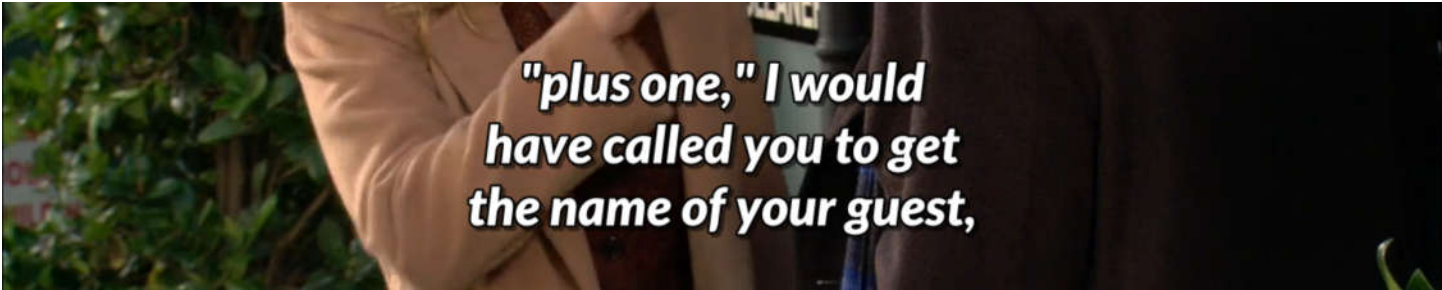
حل شده است

She has been left

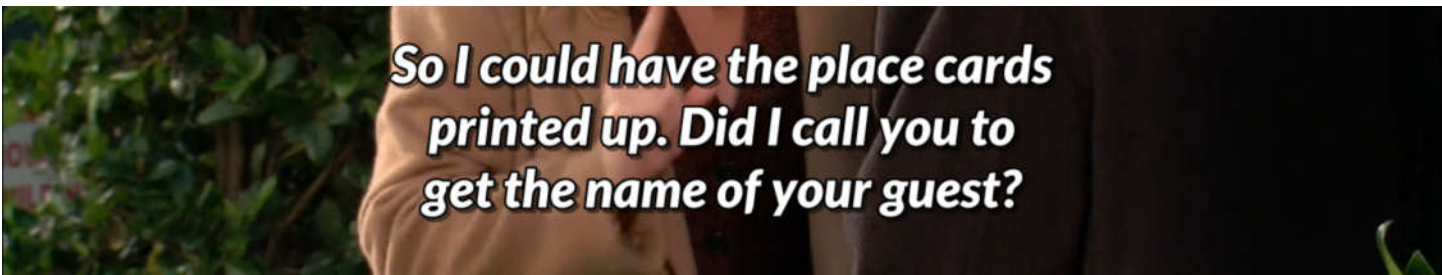
ترک شده است




**You absolutely did not
check "plus one"!
If you had checked**



**"plus one," I would
have called you to get
the name of your guest,**



**So I could have the place cards
printed up. Did I call you to
get the name of your guest?**



**Is there a place card
with her name printed on it?**

ساختار شرطی نوع سوم

If you had checked plus one I would have called to get the name of your guest

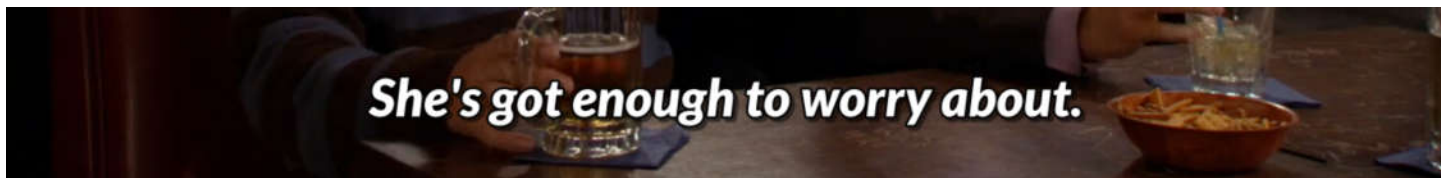
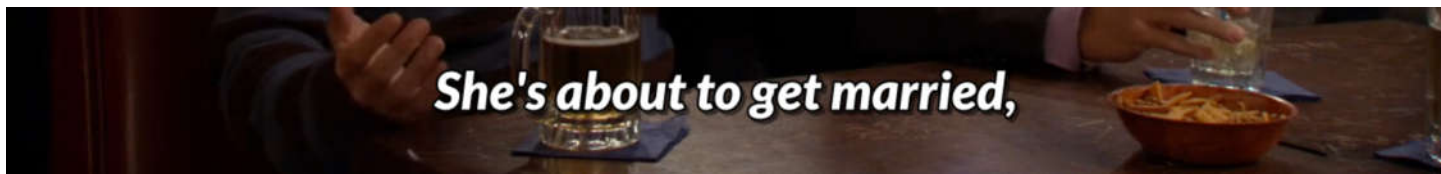
اگه گزینه پلاس وان رو تیک زده بودی بهت زنگ زده بودم تا اسم مهمونتو بگی
این ساختار که قبلا هم توضیح داده شده برای وقتی استفاده میشه که میخوایم در مورد کاری فرضی در گذشته صحبت کنیم.
چیزی که معمولا اتفاق نیافتاده.

فرمول شرطی نوع سوم

If + subject + had + p.p , subject + would have + p.p

If I had called her you would have known

اگه بهش زنگ زده بودم تو میفهمیدی



Ted, no! let it go. She's about to get married. She's got enough to worry about

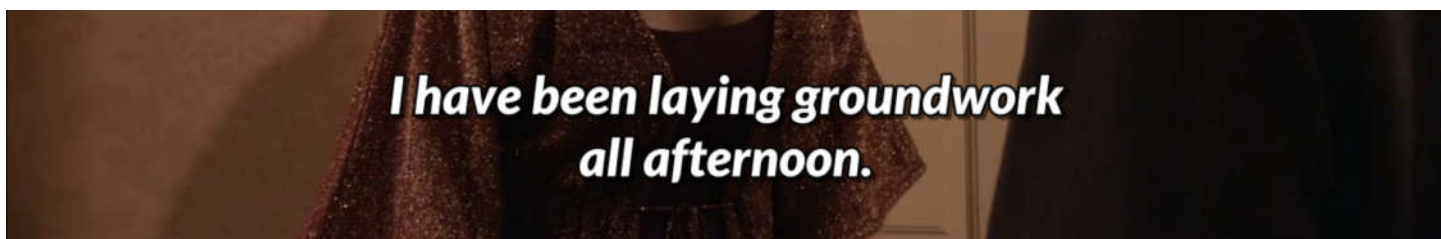
تد بیخیال شو. اون داره ازدواج میکنه. به اندازه کافی دردسر داره

Let something go

بیخیال چیزی شدن

She's get enough

به اندازه کافی داره



I have been laying groundwork all afternoon

کل بعدظهر داشتم **شرایط رو مهیا میکردم** (زمینه سازی میکردم)

Laying ground work: to provide the right conditions

به معنی شرایط رو مهیا کردن

اینجا از ساختار حال کامل استمراری استفاده کرده که قبلا توضیح دادم. اما فرمولش اینه:

Subject + have/has + been + verb ing